خبر

محبی‌نیا: جنگ علت‌العلل همه مشکلات نیست

عضو هیئت‌رئیسه مجلس در دوره‌های هفتم و هشتم با بیان اینکه حساسیت جنگ، بالارفتن قیمت‌ها، مشکلاتی در ارائه خدمات و مواردی نظیر آن را به دنبال دارد، تصریح کرد: البته جنگ علت‌العلل همه مشکلات نیست و همه مسائل را به جنگ نسبت‌دادن نوعی تنبلی است و قفل‌شدن ذهن برای مبارزه با مشکلات را به همراه می‌آورد. جهانبخش محبی‌نیا در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به تأثیر دو جنگ اخیر بر وعده‌های انتخاباتی دولت گفت: ارزیابی دولت در حوزه عمل به وعده‌ها بدون شک به بررسی مفصل نیاز دارد و نکات مثبت و منفی آن باید دیده شود. با توجه به اینکه فرصت محدود است و با روایت‌های کاذبی از طرف عوامل خارجی و بعضی مواقع با بی‌ملاحظگی داخلی مواجه هستیم، باید نسبت به کم‌رنگ‌نشدن واقعیت در مواجهه با خدمات دولت، هوشیاری و آگاهی لازم را داشته باشیم. جنگ ۱۲روزه و جنگ رمضان که به ایران تحمیل شد، بخشی از برنامه‌ریزی‌های کلان -نه‌تنها در دولت بلکه در همه حوزه‌ها- را تحت تأثیر منفی قرار داد.

او درباره محاسبات آمریکا و عوامل صهیونیستی از جنگ اظهار کرد: تصور آمریکا و عوامل صهیونیستی این بود که جنگ در یک دوره بسیار کوتاه تبدیل به فرصتی برای آنان می‌شود تا برنامه‌های جهانی و سلطه بین‌المللی خودشان را تحکیم کنند، اما با چالش‌ها و رسوایی‌های بزرگی مواجه شدند. محبی‌نیا با اشاره به عملکرد دولت در شرایط جنگی گفت: اگر دولت در حوزه دیپلماسی یعنی سفرا، استانداران و وزرا، با انتخاب‌های دقیقی در ابتدای کار آمده بودند، توفیقات دولت را حتی بیشتر از این هم می‌دانستم. اما با توجه به جنگ، گرفتاری‌ها، تحریم‌ها، پیروزی‌ها و آسیب‌هایی که دیدیم، عملکرد و حضور رئیس‌جمهوری در شرایط جنگی قابل قبول بود.

نماینده پیشین مجلس با اشاره به تأکید رئیس‌جمهوری بر وحدت ملی افزود: این موضوع یک استراتژی مؤثر است که در شرایط جنگ، پس از جنگ و حتی برای رسیدن به توسعه و حذف متغیرهای مزاحم و مداخله‌گر بسیار مثبت است. محبی‌نیا با بیان اینکه در ارزیابی عملکرد دولت باید شرایط جنگی و وضعیت منطقه را نیز در نظر گرفت، اظهار کرد: با توجه به حضور نامیمون بعضی همسایگان در این جنگ علیه ایران و نامردی‌ها و ناسازگاری‌هایی که در منطقه خاورمیانه از سوی بعضی دیده می‌شود، دولت را قابل حمایت و قابل تأیید می‌دانم. او با اشاره به وجود ضعف در حوزه مبارزه با فساد و کنترل عواملی که با مردم برخورد نامطلوبی دارند، گفت: در سیستم‌های بانکی، شهرداری‌ها، برخی وزارتخانه‌ها و حتی بعضی سازمان‌های منتسب به قوای دیگر، متأسفانه این عارضه را می‌بینیم. اگر دولت برنامه‌های اخیر رئیس‌جمهوری در حوزه حکمرانی، فساد و جمع‌کردن کاغذبازی‌ها را بتواند اجرا کند و در این زمینه یک عملکرد حتی در حد میانگین داشته باشد، در راستای توجه و خدمت به مردم باید مورد حمایت قرار بگیرد. نماینده پیشین مجلس با اشاره به تأثیر جنگ بر وضعیت اقتصادی کشور اظهار کرد: حساسیت جنگ، بالارفتن قیمت‌ها، مشکلاتی در ارائه خدمات و مواردی نظیر آن را به دنبال دارد. البته جنگ علت‌العلل همه مشکلات نیست و همه مسائل را به جنگ نسبت‌دادن نوعی تنبلی است و قفل‌شدن ذهن برای مبارزه با مشکلات را به همراه می‌آورد. جنگ این مسائل را نه‌تنها در کشور ما، بلکه در همه کشورهایی که درگیر جنگ هستند به وجود می‌آورد. محبی‌نیا تصریح کرد: در مواقعی که کشور گرفتار جنگ و مدیریت آن است، با نابهنجاری‌هایی مواجه هستیم که بعضی از خدمات دولت را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

رجایی: عملکرد دولت در زمینه رفع فیلترینگ قابل قبول نیست

مشاور آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی با اشاره به عملکرد دولت در رفع فیلترینگ اظهار کرد: عملکرد دولت در این زمینه پس از جنگ قابل قبول نبود و میلیون‌ها شغل تحت تأثیر قرار گرفت. پزشکیان رئیس شورای عالی امنیت ملی است اما موفق نشد مسائل مربوط به شوراهای مرتبط را به‌طور کامل حل کند، هرچند بخشی از مشکلات برطرف شد. غلامعلی رجایی با اشاره به تأثیر جنگ بر تحقق وعده‌های انتخاباتی پزشکیان اظهار کرد: بخشی از مسائلی که دولت نتوانست کنترل کند، ناشی از شرایط جنگ بود؛ چراکه منابع دولت محدود شد. البته دولت در این مدت توانست تعادل و آرامش را در داخل ایجاد و تولید داخلی را تنظیم کند، هرچند در موضوع حفظ ارزش پول ملی موفق نبود. وی درباره وضعیت اقتصادی و تولید داخلی در شرایط جنگ اظهار کرد: با وجود تورم بالا و گرانی، اقدامات دولت موجب شد مردم احساس کمبود نکنند. برخلاف انتظار دشمن که تحریم‌ها، جنگ و مشکلات باعث ایجاد کمبود در تولیدات و منابع کالاهای داخلی شود، خوشبختانه این کمبود احساس نشد. کارشناس مسائل سیاسی درباره پیامدهای اقتصادی و زیرساختی جنگ گفت: جنگ منابع انسانی، اقتصادی و زیرساختی ایران را تحت تأثیر قرار داد. بازسازی به بودجه زیادی نیاز دارد و بنابراین دولت در این شرایط نمی‌تواند برنامه خود را آن‌طور که باید اجرا کند. ممکن است تا دو دولت آینده نیز برای بازسازی خرابی‌ها نیازمند هزینه باشیم.

بازگشت به نقطه صفر هسته‌ای

ادامه از صفحه ۲

پیام آنها به واشینگتن این است که ادامه این روند دیگر کافی است؛ چراکه اقدامات و سیاست‌های آمریکا در ایجاد تنش‌های پی‌درپی، قیمت انرژی، حامل‌های انرژی و کامودیتی‌ها را در سطح جهانی تحت تأثیر قرار داده و بی‌ثباتی درخور توجهی را به اقتصادهای اروپایی تحمیل کرده است. بنابراین، اروپا مایل نیست دامنه این فشارها بیش از این گسترش پیدا کند و هزینه‌های ناشی از آن به اقتصادهای اروپایی منتقل شود. از سوی دیگر، اروپایی‌ها هم‌زمان تلاش خواهند کرد در قبال روسیه و چین، به‌ویژه روسیه که مسئله اوکراین نیز همچنان در مرکز توجه قرار دارد، فشار بیشتری اعمال کنند. به عبارت دیگر، اروپا از یک سو در قبال آمریکا تلاش می‌کند مانع از تشدید بیش از اندازه تنش شود و از سوی دیگر، در مواجهه با روسیه و چین، می‌کوشد موضع خود را با ملاحظات امنیتی و ژئوپلیتیکی‌اش هماهنگ کند. با این حال، به نظر می‌رسد تجربه گذشته، البته با تفاوت‌هایی، تا حدی تکرار خواهد شد. روسیه احتمالا موضعی تندتر اتخاذ و بر این نکته تأکید خواهد کرد که آمریکا در قبال ایران رویکردی کاملا یک‌جانبه در پیش گرفته و بیش از هر چیز در پی تأمین منافع خود است. چین اما احتمالا با لحنی آرام‌تر و رویکردی اقتصادی‌تر رفتار خواهد کرد؛ به‌گونه‌ای که ضمن حفظ حمایت خود از ایران، از واردشدن آسیب جدی به وجهه و اعتبار بین‌المللی این کشور نیز جلوگیری کند. به نظر می‌رسد این تفاوت رویکرد را بتوان در نحوه رفتار و تعاملات اخیر رئیس‌جمهوری چین نیز مشاهده کرد.

آیا می‌توان گفت از اسفند ۱۴۰۴ و هم‌زمان با آغاز جنگ، اقتصاد ایران نیز عملا وارد وضعیت جنگی شده است؟ به بیان دقیق‌تر، آیا از این مقطع به بعد، «ریسک جنگ» از یک متغیر حاشیه‌ای به یکی از متغیرهای تعیین‌کننده در شکل‌دهی به انتظارات اقتصادی تبدیل شده و به‌طور مستقیم بر بازارهایی مانند ارز، طلا و سکه اثر گذاشته است؟ اگر چنین تغییری را در ساختار اقتصاد ایران پذیرفتیم، پرسش مهم‌تر این است که از این نقطه به بعد با ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت، چه سناریوهایی پیش‌روی اقتصاد قرار دارد و باید انتظار چه تغییراتی را در تورم، نرخ ارز، بازارها و رفتار اقتصادی مردم و دولت داشته باشیم؟

شاید بتوان گفت تا زمانی که جنگ شهرها جریان داشت، مردم مستقیما معنای جنگ را با تمام وجود لمس می‌کردند و آثار آن را در زندگی روزمره خود می‌دیدند. آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها جنگ شهرها را به راه انداختند و پس از مدتی آن را متوقف کردند. پس از آنکه بحث بازدارندگی نیروهای مسلح به سطح بالاتری ارتقا یافت و تمرکز بیشتری بر آن صورت گرفت، در حالی که جنگ شهرها از نظر سیاسی و امنیتی آسیب‌هایی را در داخل کشور ایجاد کرده بود، تمرکز به‌تدریج به سمت زیرساخت‌های نظامی و امنیتی، به‌ویژه تقویت ذهنیت و ملاحظات امنیتی منتقل شد تا در نهایت مسیر به سمت جنگ اقتصادی تغییر کند. امروز مجموعه اتفاقاتی که در مرزهای کشور و نوار ساحلی جنوب ایران رخ می‌دهد، رفتار مردم در بازار ارز و حتی تحولات و رخدادهایی که در ماه‌های گذشته در دریای سرخ شاهد آن بوده‌ایم، همگی نشان می‌دهند که اقتصاد ایران عملا در شرایطی کاملا جنگی قرار گرفته است؛ چه از منظر تحولات داخلی و چه از منظر فشارها و رخدادهای بیرونی.

با این اوصاف، ارجاع پرونده به شورای امنیت با هدف انفجار تورمی بوده و اگر چنین بوده، دولت به معنای واقعی کلمه می‌تواند اقدامی انجام دهد؟

من از آخر جواب می‌دهم. تا همین‌جای کار هم دولت در این زمینه عملکرد نسبتا هوشمندانه‌ای داشته و توانسته است این ذهنیت را تا حد زیادی مدیریت کند. رسانه‌ها نیز انصافا در این زمینه بسیار محتاطانه و مسئولانه عمل کرده‌اند.

چطور؟

به هر حال همه ما اوضاع داخلی را می‌بینیم؛ چیزی نیست که پنهان بماند. واقعا رسانه‌های داخلی می‌توانستند تصویری بسیار عریان‌تر و صریح‌تر از واقعیت‌های موجود ارائه کنند، اما چنین نکردند و در مجموع، با خویشتن‌داری و نوعی هماهنگی، تلاش کرده‌اند شرایط را به‌گونه‌ای مدیریت کنند که کشور بتواند از این بحران عبور کند.

و بخش اول پرسش چه می‌شود؟

اما در پاسخ به بخش اول پرسش‌تان اگر بخواهیم از منظر اقتصاد جنگی به روزها و ماه‌های آینده نگاه کنیم، به نظر من دو تا سه سناریوی اصلی و محتمل پیش‌روی اقتصاد قرار دارد. سناریوی نخست، حرکت به سمت ابرتورم همراه با رکود است؛ وضعیتی که در صورت شکل‌گیری، می‌تواند حتی سال‌ها ادامه پیدا کند. این تورم صرفا ناشی از کمبود کالا نیست. وقتی مردم از عرضه کالاها خودداری می‌کنند و با این تصور که «هر روز قیمت‌ها بالاتر می‌رود، پس بهتر است فعلا صبر کنیم»، عرضه را محدود می‌کنند، همین رفتار به نوعی احتکار و خودداری از عرضه تبدیل می‌شود و خود به افزایش بیشتر قیمت‌ها دامن می‌زند. در واقع، دلالان و نوسان‌گیران اقتصادی نیز در حال سوق‌دادن بازار به سمت شرایطی شبیه روزهای پرنوسان دوران دولت احمدی‌نژاد هستند؛ با این تفاوت که این بار مسیر شکل‌گیری این وضعیت از دل شرایط جنگی عبور می‌کند. اگر سناریوی ابرتورم تحقق پیدا کند، هم‌زمان با افزایش مستمر قیمت‌ها، حجم تجارت و معاملات در بازار نیز به‌شدت کاهش خواهد یافت. بخش درخور توجهی از نیازهای مردم ممکن است تأمین نشود و همین کاهش عرضه و کاهش مبادلات، خود به تشدید چرخه تورمی کمک خواهد کرد.

سناریوی دوم، افزایش مداخله و کنشگری دولت است. در این حالت، دولت در روزها و ماه‌های آینده، به‌ویژه تا شب عید، نقش فعال‌تری در اقتصاد بر عهده خواهد گرفت؛ از طریق تأمین کالا، مدیریت بازار و هدایت اقتصاد به سمت سازوکارهای یک اقتصاد جنگی. در چنین شرایطی، دولت خود به یک بازیگر اصلی در بازار تبدیل می‌شود. بانک مرکزی نیز می‌تواند از ظرفیت‌های موجود برای تأمین مالی، پرداخت حقوق‌ها، حمایت از چرخه اقتصادی و تأمین نیازهای ارزی تولیدکنندگان استفاده کند. دولت همچنین ممکن است به هر طریق ممکن، از مسیرهای زمینی، ریلی و کامیونی گرفته تا مسیرهای هوایی برای تأمین و واردات مواد اولیه مورد نیاز تولید اقدام کند. این حوزه‌ای است که دولت، در صورت تصمیم به مداخله گسترده، می‌تواند در آن بسیار فعال باشد. بنابراین، در مجموع، دو مسیر اصلی پیش‌روی اقتصاد قرار می‌گیرد؛ یکی اقتصادی که با کنشگری گسترده دولت مدیریت می‌شود و دیگری اقتصادی که در آن دولت تضعیف شده و توان مداخله و مدیریت خود را از دست می‌دهد.

منتقدان دولت و رادیکال‌ها معادلات را بر هم نمی‌زنند؟

بدون شک اختلافات و شکاف‌های داخلی نیز تأثیر بسیار تعیین‌کننده‌ای خواهند داشت. متأسفانه همچنان جریان‌هایی در داخل کشور، ازجمله نیروهای تندرو و برخی نیروهای دیگر، با انتقاد از دولت، از ایده کنارگذاشتن آن و روی کار آوردن دولتی قدرتمندتر سخن می‌گویند؛ دولتی که بتواند به تعبیر آنها رویکردی «حزب‌اللهی‌تر» در پیش بگیرد و حتی الگوهایی مانند رفتار یحیی السنوار را سرمشق قرار دهد. این تحولات می‌تواند کشور را با سرعت بیشتری به سمت سناریوی نخست، یعنی تشدید تورم، تحقق ابرتورم و انفجار تورمی و بی‌ثباتی اقتصادی سوق دهد. در چنین شرایطی، احتمال افزایش درگیری‌ها و تنش‌های داخلی و حتی شکل‌گیری نوعی درگیری گسترده یا جنگ داخلی نیز به‌مراتب بیشتر خواهد شد.

از معادلات اقتصادی که بگذریم، آیا احتمال حمله آمریکا به تأسیسات «کوه‌کلنگ» وجود دارد؟ با توجه به ارجاع مجدد پرونده هسته‌ای ایران، آیا می‌توان این ارجاع را مقدمه یا نوعی مشروعیت‌سازی برای حمله به این تأسیسات دانست؟ این روزها ترامپ مرتب از احتمال حمله به کوه‌کلنگ می‌گوید. اگر هدف آمریکا از این ارجاع این بوده باشد که بخواهد به تأسیسات هسته‌ای ایران، «کوه‌کلنگ» یا هر جای دیگری که احساس می‌کند همچنان فعالیت‌های هسته‌ای در آن وجود دارد، حمله کند، آیا این یک نوع مشروعیت‌سازی برای حمله است؟

فکر می‌کنم حتی اگر ترامپ همین امروز بخواهد چنین کاری انجام دهد، با مخالفت جدی‌ای مواجه نخواهد شد؛ شاید صرفا به خاطر اینکه بتواند آتش در تنگه هرمز و اینها را توجیه کند. وگرنه همان‌طور که به درستی اشاره کردید موضوع اصلی قدرت بین‌الملل است، نه حقوق بین‌الملل. الان مانع خاصی که از منظر موازنه قدرت بر سر راه ایالات متحده آمریکا و متحدانش برای حمله به کوه‌کلنگ وجود داشته باشد، نمی‌بینم. درست است که اعتراضاتی وجود دارد که ترامپ «دامنه جنگ را گسترش می‌دهد»، اما فکر نمی‌کنم این بازی پرونده هسته‌ای که مجددا بعد از چند ماه فعال شده، صرفا برای حمله به کوه‌کلنگ باشد. حمله به کوه‌کلنگ می‌تواند همین امشب اتفاق بیفتد، دو هفته دیگر رخ بدهد و اصلا منتظر روند پرونده در شورای امنیت نماند.

تحلیل شما درست، اما اگر به کوه‌کلنگ حمله شد چطور؟

به نظر من، اینکه آیا به «کوه‌کلنگ» حمله خواهد شد یا نه و اینکه در صورت وقوع چنین حمله‌ای، آیا این اقدام می‌تواند معادلات و سناریوهایی را که پیش‌تر درباره آنها صحبت کردم تغییر دهد، مسئله مهمی است. با این حال، تصور نمی‌کنم صرف حمله به کوه‌کلنگ بتواند تغییری اساسی در این معادلات ایجاد کند. به بیان دیگر، در شرایط فعلی، مسئله کوه‌کلنگ را بیشتر باید یک موضوع فرعی تلقی کرد؛ مگر آنکه مشخص شود تأسیسات بسیار پیشرفته و راهبردی در آنجا وجود دارد. البته درباره ماهیت و ابعاد فعالیت‌های کوه‌کلنگ، همچنان با ناشناختگی و عدم قطعیت مواجه هستیم. من اطلاعات یا داده مشخصی درباره این تأسیسات ندارم و صرفا مطالبی در این زمینه شنیده‌ام، بنابراین، نمی‌توانم با قطعیت درباره اهمیت واقعی آن اظهارنظر کنم. اما اگر واقعا فعالیت‌ها در کوه‌کلنگ به مرحله‌ای رسیده باشد که حتی بحث وجود یا توسعه سلاح‌های هسته‌ای در آنجا مطرح باشد، در آن صورت معادله کاملا متفاوت خواهد شد. این همان نقطه‌ای است که عدم قطعیت موجود می‌تواند به یکی از سناریوهای باورپذیر تبدیل شود؛ یعنی این احتمال را نمی‌توان نادیده گرفت که فعالیت‌های گسترده و راهبردی در آنجا در جریان باشد. در چنین شرایطی، ممکن است به محض ارجاع پرونده به شورای امنیت و شکل‌گیری مباحث اولیه، آمریکا با تمام توان علیه کوه‌کلنگ و تأسیسات موجود در آن اقدام نظامی کند. اما این سناریو تنها در صورتی محتمل است که واقعا تأسیسات، ساختارها و فعالیت‌های هسته‌ای راهبردی در آن مجموعه وجود داشته باشد. در غیر این صورت، اگر چنین تأسیسات مهمی در آنجا وجود نداشته باشد، تصور نمی‌کنم در روزهای آینده شاهد حمله‌ای به کوه‌کلنگ باشیم.

آیا با توجه به حملات گسترده‌ای که به تأسیسات هسته‌ای ایران انجام شده، احتمال تغییر دکترین هسته‌ای ایران وجود دارد؟

اگر بخواهیم درباره تغییر دکترین هسته‌ای ایران صحبت کنیم، باید میان دو مسئله تفکیک قائل شویم. ما در سال‌های گذشته، به‌ویژه از زمانی که ابعاد پرونده هسته‌ای ایران در سال ۱۳۸۲ آشکار شد، به‌تدریج وارد مرحله‌ای شدیم که مسئله دکترین هسته‌ای و نحوه مواجهه با آن به یکی از موضوعات اصلی سیاست خارجی و امنیت ملی کشور تبدیل شد. در دوره دولت خاتمی و در چارچوب سیاست تنش‌زدایی، تلاش شد با میزان‌هایی از شفاف‌سازی، این دکترین در وضعیتی تقریبا نیمه‌مبهم پیش برود. در این میان، ابهام هسته‌ای بیش از هر چیز به‌عنوان ابزاری برای ایجاد بازدارندگی مورد استفاده قرار گرفت. تا پیش از حملات گسترده به نطنز، پارچین و دیگر مراکز، این ابهام تا حدی توانسته بود کارکرد بازدارنده خود را حفظ کند. اما اکنون، با توجه به تحولات اخیر و تغییر شرایط امنیتی، این پرسش مطرح است که ایران در قبال پرونده هسته‌ای خود باید چه مسیری را در پیش بگیرد؟

پیش‌تر درباره هزینه‌ها و تبعات سیاست ابهام هسته‌ای با شما صحبت کردیم و شما نیز پذیرفتید که این رویکرد، در کنار کارکرد بازدارنده، می‌تواند هزینه‌های قابل‌توجهی برای ایران به همراه داشته باشد. اکنون که پرونده هسته‌ای ایران از شورای حکام به شورای امنیت ارجاع داده شده و سطح فشارهای بین‌المللی نیز افزایش یافته است، آیا همچنان معتقدید دکترین هسته‌ای ایران باید بر مدار همان ابهام هسته‌ای ادامه پیدا کند؟ اگر پاسخ شما مثبت است، پرسش مهم‌تر این است که آیا هزینه‌های این سیاست در شرایط جدید دیگر از منافع بازدارنده آن پیشی نگرفته است؟ و اگر قرار است ابهام هسته‌ای همچنان مبنای دکترین ایران باشد، چه تضمینی وجود دارد که این ابهام، به‌جای تقویت بازدارندگی، بهانه‌ای برای تشدید فشارها و اقدامات بعدی علیه ایران نشود؟

به نظر من، در شرایط کنونی سه سناریوی اصلی و محتمل پیش‌روی ایران قرار دارد. سناریوی نخست، تداوم ابهام هسته‌ای است. در این رویکرد، ایران همچنان دسترسی‌ها را محدود می‌کند، سطحی از عدم شفافیت را حفظ کرده و این پیام را منتقل می‌کند که فعالیت‌های هسته‌ای کشور الزاما به یک مکان مشخص، ازجمله نطنز، محدود نیست و ممکن است در نقاط دیگری نیز فعالیت‌هایی در جریان باشد. اظهارات برخی شخصیت‌های سیاسی مبنی بر اینکه «هر زمان اراده کنیم، می‌توانیم به سلاح هسته‌ای دست پیدا کنیم»، در همین چارچوب قابل فهم است. چنین اظهاراتی، بدون آنکه الزاما به معنای اعلام رسمی حرکت به سمت ساخت سلاح باشد، بر ابهام موجود می‌افزاید و می‌تواند ظرفیت بازدارندگی آن را تقویت کند. سناریوی دوم، حرکت به سمت نوعی شفافیت هسته‌ای است.

ولی تهران به صراحت عنوان کرده که بعد از حمله به تأسیسات هسته‌ای در جریان جنگ ۴۰روزه و قبل‌تر از آن، جنگ ۱۲روزه، بنایی برای همکاری شفاف با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ندارد و اتفاقا تنها برگ ایران همان سرنوشت اورانیوم‌های غنی‌شده است که اطلاعات آن را به آژانس نداده و اینجاست که سناریوی «شفاهیت» قدری با اقتضائات جاری همخوانی ندارد.

سناریوی شفافیت به معنای سنتی و متعارف آن نیست. منظور این نیست که ایران اعلام کند فعالیت هسته‌ای ندارد، ذخایر اورانیوم خود را از دست داده یا همه ظرفیت‌های هسته‌ای‌اش از میان رفته است. شفافیت در اینجا معنای متفاوتی پیدا می‌کند؛ به این معنا که ایران اعلام کند در چارچوب قواعد قدرت و منطق بازدارندگی، در برابر تهدیدهای احتمالی از هر سازوکار و ابزاری که در اختیار دارد استفاده خواهد کرد. در این چارچوب، پیام ایران می‌تواند این باشد که اگر دیگران از سلاح‌های نامتعارف برخوردارند و با اتکا به آنها ایران را تهدید می‌کنند، تهران نیز خود را برای استفاده از همه ابزارهای لازم جهت تأمین امنیت و حداکثرسازی بازدارندگی محق می‌داند.

گفت‌وگوی کامل را در سایت شرق بخوانید

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹
WWW.SHARGHDAILY.IR

شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت و گاز اروندان (سهامی خاص)

آگهی عمومی ارزیابی کیفی مناقصه گران
مناقصه عمومی دو مرحله ای شماره ۱۴۰۵/۹۲۷ م م
با شماره فراخوان ۲۰۰۵۰۹۳۵۶۷۰۰۰۰۷۰ (نوبت دوم)
شناسه : ۲۲۶۷۲۸۴

شرکت نفت و گاز اروندان (خریدار) در نظر دارد کالای موضوع فوق را از طریق شرکتهای تولید کننده یا تأمین کننده واجد صلاحیت خریداری نماید. بدین وسیله از کلیه شرکت هایی که دارای شرایط ذیل می باشند دعوت می گردد اسناد و مدارک خود را بر اساس استعلام ارزیابی کیفی، برای ارزیابی و تعیین صلاحیت به این امور ارسال نمایند:
الف- موضوع مناقصه عبارت است از تأمین لامپ LED
ب- مدت اجرای قرارداد از تاریخ شروع بکار: ۳ ماه
ج- برآورد مبلغ کل مناقصه ۱۰۷,۹۶۷,۳۱۵,۰۰۰ ریال و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به میزان ۵,۳۹۸,۳۶۵,۷۵۰ ریال
د- معیارهای ارزیابی کیفی:
۱. توان مالی
۲. استانداردهای تولید
۳. تضمین کیفیت خدمات و محصولات
۴- ارزیابی مشتریان قبلی و حسن شهرت
۵- داشتن تجربه و دانش در زمینه مورد نظر
۶- حسن سابقه
هـ: کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی از دریافت و تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی تا ارسال دعوتنامه جهت سایر مراحل مناقصه، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار فراخوان در سامانه تاریخ ۱۴۰۵/۰۰/۰۰ می باشد. اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه گران ارسال خواهد شد
و: علاوه بر تولید کنندگان کالای ایرانی، تأمین کنندگان (کالای ایرانی) نیز میتوانند در فراخوان شرکت نمایند.
بدیهی است انتشار این آگهی صرفاً به منظور شناسایی و ارزیابی متقاضیان طبق قانون برگزاری مناقصات بوده و ارسال اسناد و مدارک فوق الذکر هیچگونه حقی برای متقاضیان در مقابل این شرکت ایجاد نمی کند. ضمناً هزینه درج آگهی بعهده برنده مناقصه است. متقاضیان در صورت داشتن هرگونه سوالی می توانند با شماره تلفن های ذیل تماس بگیرند.
تلفن تدارکات و امور کالا : ۰۶۱۳۲۱۲۳۰۸۷
نمابر تدارکات و امور کالا : ۰۶۱۳۲۱۲۳۸۰۴
تلفن دفتر هماهنگی تهران: ۰۲۱۶۶۷۴۷۶۵۳
آدرس وب سایت: AOGC.IR پست الکترونیکی: Tenders@aogc.ir
روابط عمومی شرکت نفت و گاز اروندان
۲۹۹۸

شرکت ملی نفت ایران
شرکت بهره برداری نفت و گاز اروندان (سهامی خاص)

آگهی فراخوان مشاوران دارای صلاحیت برای شرکت در ارزیابی کیفی
به روش انتخاب بر اساس کیفیت و قیمت
استعلام شماره ۱۴۰۵/۹۳۲ م الف- شماره فراخوان: ۲۰۰۵۰۹۳۵۶۷۰۰۰۰۷۸
شناسه : ۲۲۷۳۱۳۴
نوبت اول

شرکت نفت و گاز اروندان (کارفرما) در نظر دارد انجام خدمات ذیل را از طریق شرکت‌های مشاور واجد صلاحیت تامین نماید. بدین وسیله از کلیه شرکت‌هایی که دارای شرایط ذیل می‌باشند دعوت می‌گردد اسناد و مدارک خود را بر اساس استعلام ارزیابی کیفی، برای ارزیابی و تعیین صلاحیت به این امور ارسال نمایند:
الف) موضوع استعلام: عبارت است از « خرید خدمات مشاوره باالادستی مدیریت امور فنی(مشارکت در مطالعات جامع، مهندسی، طراحی و نظارت میدانی)» برای مدت «یک سال»
ب) برآورد: مبلغ ۴,۲۹۳,۷۱۸,۴۶۲,۲۶۳ (چهار هزار و دویست و نود و سه میلیارد و هفتصد و هجده میلیون و چهارصد و شصت و دو هزار و دویست و شصت وسه) ریال است.
ج) شرایط الزامی جهت ورود متقاضیان به مرحله ارزیابی کیفی:
۱. داشتن گواهینامه صلاحیت پایه ۱ خدمات مشاوره- گروه نفت و گاز در تخصص اکتشاف و استخراج نفت و گاز از سازمان برنامه و بودجه کشور، با ظرفیت آزاد
د) معیارهای ارزیابی کیفی:
۱. تجربه یا سابقه اجرایی
۲. ارزیابی کارفرمایان قبلی
۳. توان مالی
۴.ساختار سازمانی و کارکنان اصلی و کلیدی
۵. نظام برنامه‌ریزی و کنترل پروژه
۶. نظام کنترل و تضمین کیفیت
۷. نظام مستندسازی و روش گزارش‌دهی
کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی از دریافت و تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی از درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. تاریخ درج آگهی نوبت اول و انتشار فراخوان در سامانه، مورخ ۱۴۰۵/۰۰/۰۰ می‌باشد. متقاضیان می‌توانند از تاریخ مذکور و حداکثر تا مدت ۵ روز از تاریخ درج آگهی نوبت دوم، برای دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی به سامانه ستاد به آدرس اینترنتی فوق الذکر مراجعه نمایند. لازم است متقاضیان در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در استعلام محقق سازند.
تذکر۱: در کلیه مراحل برگزاری استعلام، اسناد و مدارک بارگذاری شده بر روی سامانه ستاد از طرف متقاضیان شرکت کننده در استعلام مورد ارزیابی قرار می گیرد و بررسی و ارزیابی هرگونه نامه و مستندی خارج از چارچوب سامانه ستاد انجام نخواهد گرفت و هیچ گونه اعتراضی از این بابت مسموع نیست.
بدیهی است انتشار این آگهی صرفاً به منظور شناسایی و ارزیابی متقاضیان طبق قانون برگزاری مناقصات بوده و ارسال اسناد و مدارک فوق الذکر هیچگونه حقی برای متقاضیان در مقابل این شرکت ایجاد نمی‌کند. ضمناً هزینه درج آگهی به عهده برنده استعلام است. متقاضیان در صورت داشتن هرگونه سوال می‌توانند با شماره تلفن‌های ۰۶۱-۳۲۱۲۷۰۹۴ و ۰۶۱-۳۲۱۲۱۶۰۳ و ۰۶۱-۳۲۱۲۷۰۸۸ تماس حاصل نمایند.
آدرس وب سایت: AOGC.IR
روابط عمومی شرکت نفت و گاز اروندان
۲۱۶۱

شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت مناطق مرکزی ایران
شرکت بهره برداری نفت و گاز غرب

تجدید آگهی ارزیابی کیفی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
همزمان با ارزیابی (یکپارچه) به شماره ت۴۰۴/۳۳/۱
مربوط به خرید تجهیزات رادیویی جهت استفاده در ستاد و مناطق عملیاتی
شماره فراخوان: ۲۰۰۵۰۹۱۸۶۳۰۰۰۰۳۳
شناسه : ۲۲۷۴۰۶۸
نوبت اول

شرکت بهره برداری نفت و گاز غرب در نظر دارد فراخوان برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای همزمان با ارزیابی (یکپارچه) مربوط به خرید تجهیزات رادیویی جهت استفاده در ستاد و مناطق عملیاتی به شرح مندرج در کتابچه مناقصه را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی و بارگذاری اسناد مناقصه با امضای دیجیتال (به وسیله نرم‌افزار امضای دیجیتال سامانه ستاد) جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی همزمان با فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوت‌نامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه گران ارسال خواهد شد.
*اطلاعات فراخوان:
۱. مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه: روز سه شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۴
۲. مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی و پاکات پیشنهاد: تا ساعت ۹:۰۰ روز سه شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۷/۰۷
۳. مبلغ برآورد اولیه مناقصه و محل تأمین اعتبار: ۸۲/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منابع داخلی جاری.
۴. نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: تضمین معتبر مطابق بند الف ماده ۵ آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی به مبلغ ۴/۱۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال.
۵. نوع و کیفیت و کمیت کالا: خرید تجهیزات رادیویی جهت استفاده در ستاد و مناطق عملیاتی
۶. محل و مدت قرارداد: ستاد و مناطق عملیاتی به مدت ۲ ماه شمسی.
۷. پیش پرداخت: به میزان ۲۵ درصد نرخ پیشنهادی برنده مناقصه در مقابل ارائه تضمین معتبر مطابق بند پ ماده ۵ آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی.
۸. مدارک و مستندات الزامی جهت ورود به فرآیند ارزیابی کیفی (در صورت عدم بارگذاری هر یک از مدارک ذیل مناقصه‌گر از فرآیند ارزیابی کیفی کنار گذاشته می‌شود):
۸-۱ - بارگذاری مدارک حقوقی شرکت شامل: کد اقتصادی، شناسه ملی، اساسنامه، آگهی تأسیس و آگهی معتبر آخرین تغییرات هیأت مدیره.
۸-۲- بارگذاری فرم استعلام ارزیابی کیفی تکمیل شده و مدارک و مستندات مربوطه.
۸-۳- بارگذاری مدارک ثبت شرکت سازنده در فهرست منابع معتبر وزارت نفت (AVL).
• تذکر۱: در صورتی‌که مدارک مذکور از طریق سامانه‌های مربوطه قابل استعلام باشند، مورد قبول قرار خواهند گرفت.
• تذکر۲: تمامی ضمانت‌نامه‌های صادره از بانک پاسارگاد مورد پذیر